

مرور سفر و سخنان فریبرز رئیس دانا به اروپا

## تبلیغ تحریم و خانه نشینی نه "چپ" است و نه "نوین"!

سفر آقای رئیس دانا به اروپا و سخنانی که بعنوان تحلیل اوضاع ایران و انتخابات آینده ریاست جمهوری در سخنرانی های خود در آلمان و بلژیک طرح کرد، در کانون بحث های جاری در داخل و خارج کشور قرار نگرفت، اما به فرصتی تبدیل شد برای ورود عمیق تر به شرایط ایران. این که سخنان و نظرات ایشان از هم گسیخته بود و نظمی نداشت و یا اینکه کوششی بود برای در هم ریختن مرزبندی های موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی و یا اینکه فاقد ابتدائی ترین اصول علم مبارزه اجتماعی جهت اتحادهای مرحله ای برای عبور جنبش ها از یک مرحله به مرحله ای عالی تر بود و یا تبلیغ روحیه یاس و خانه نشینی در بسته بندی تهاجمی بود و چندین اما و اگر دیگر مهم و قابل طرح بود و هست، اما همه مسئله این نیست. از نظر ما مسئله مهم اینست که ایشان، این نظرات را بعنوان "چپ نوین ایران" در این سفر و سخنرانی ها طرح کرد. یعنی، در ایران چپی سر برآورده و متولد شده است که چنین اندیشه های نوینی را دارد. آیا واقعا این اندیشه ها نوین است که با آن بتوان شناسنامه ای برای چپ صادر کرد و اسم تازه متولد را هم گذاشت "نوین"؟

آقای رئیس دانا در سخنرانی های خود آمار و ارقامی از وضع اقتصادی و بویژه مسکن، بودجه دولتی، بیکاری و... ارائه داد، که مانند همیشه قابل استفاده و استناد است، اما آنچه بعنوان تحلیل اجتماعی ارائه داد هیچ نوع همسوئی و همخوانی با این آمار و ارقام نداشت. ایشان می توانست بعنوان چپ شورشی، این تحلیل ها را ارائه داده و با زنده باد "جمهوری آمل" و یا زنده باد "شورای ترکمن" به ایران باز گردد و البته نه به آمل سفر کند و نه به گنبد سری بزند. دو رویدادی که در سالهای اولیه پیروزی انقلاب ۵۷ آشفته اندیشانی ماجراجو خالق آن بودند و نقش مخرب اندکی نیز از خود برجای نگذاشتند. در این صورت ایرادی به ایشان نبود، بنابراین لقب و مدال "نوین" دیگر نیاز نبود. آیا آنچه ایشان بعنوان چپ نوین طرح کرد، واقعا فکری نوین است؟

ما این سؤال را از همه خوانندگان نظرات نوین آقای رئیس دانا می کنیم و برای آن که بدقت دانسته شود ایشان در سفر اخیرش به اروپا چه گفته است، شما را ارجاع می دهیم به گزارشی که در باره این سخنرانی در "اینجا" منتشر شده است.

آنچه پس از مرور این نظرات و سخنان باید پاسخ داد اینست:

- ۱- واقعا دولت احمدی نژاد هیچ تفاوتی با دولت خاتمی ندارد؟
- ۲- دولتی که نه با صراحت اما بهرحال اشاره می کنید بزرگترین بودجه را به امور نظامی اختصاص داده، همزاد دولت اصلاحات است؟
- ۳- آنها که در انتخابات گذشته شرکت نکردند، نیروی چپ نوین اند و در رکاب شما شمشیر خواهند زد؟
- ۴- آنها که ذکر می کنید در دولت خاتمی زندانی شدند، بدست آن دولت زندانی شدند و یا آن دولت توان آزادی آنها را داشت؟
- ۵- این نظام، نظامی یکدست و یکپارچه است؟ و دوغ و دوشاب در آن یکسان؟
- ۶- آن دولت ایران را همانند دولت کنونی به لبه پرتگاه جنگ و ویرانی هدایت کرده بود؟
- ۷- آمار و ارقام اقتصادی که ارائه شده، در مقایسه با آمار و ارقام دولت اصلاحات - از تورم تا بیکاری- یکسان است.

۸- دانشگاه هائی که شما خود نیز از جمله سخنرانان همایش های مختلف آن بودید، با دانشگاه های امنیتی شده کنونی تفاوتی نداشتند؟

۹- سرکوب توام با خرافات، هرگز در یکصد سال گذشته اینچنین بر ایران سایه افکنده بود که در دولت کنونی افکنده؟

۱۰- مجلس ششم که در دولت اصلاحات امکان تشکیل یافت، با مجلس هفتم و هشتم یکسان بود؟

ما می توانیم این سئوالات را همچنان ادامه بدهیم، اما چه نیازی به شمارش ما؟ شما خود می توانید چنین کنید.

هدف ما در این سرمقاله شمارش این سئوالات نیست. هدف آنست که بگوئیم:

۱- مهاجرین سیاسی در سه سال و اندی که از دوران ۸ ساله اصلاحات می گذرد، به جمعبدی نوینی رسیده و این احتمال که بتوانند نقش مثبتی در انتخابات آینده ایران ایفاء کنند روز به روز بیشتر می شود. نشانه این رشد و احتمال همان که دولت امنیتی کنونی، درحالیکه حتی به یکی از زنان فعال در کانون مدافعان حقوق بشر - جدا از مورد ویژه خانم عبادی- و یا یکی از زنان جنبش برابری خواهی و یا روزنامه نگاران و فعالان سیاسی مذهبی و غیر مذهبی اما منتقد وضع کنونی اجازه سفر به اروپا - حتی هندوستان- را نمی دهد و پاسپورت های آنها را ضبط می کند و از هواپیما پائینشان می کشد، برای خنثی سازی همین نقش نوین احتمالی نیست که امکان سفر برای کسانی را فراهم می سازد که نظرات و دیدگاههایشان تقویت کننده انفعال است؟

۲- حاکمیت و دولت کنونی را با بزرگترین بسیج اجتماعی و استفاده از هر روزنه ای می توان به عقب نشینی وادار کرد. این سخنان و نظرات در جهت چنین بسیجی است؟ و گام و کلامی هم برای بهره گیری از همه امکانات و روزنه ها؟

۳- آن نیروئی که در خانه می نشیند و رای نمی دهد، نمیتواند نقش آفرین باشد، مگر در شرایط دیگری که ایران درحال حاضر در آن شرایط بسر نمی برد. تکرار این کلام تاریخی "تا وقتی حاکمیت هنوز امکان و توان مانور برای بقای خود دارد، صرف نخواستن مردم چنین حاکمیتی را به زیر نمی کشد" لازم است؟

چرا شاهد چنین نوسان ها و افت و خیزهای هستیم؟

ما می گوئیم در درجه نخست به آن دلیل که روی موج رویدادها حرکت می کنند و بقول برشت هنوز عمق فاجعه را درک نکرده و به همین دلیل "لبخند" بر لب دارند. از تحلیلگران دوران دیده ای که بنام "چپ" سخن می گویند انتظار آنست که جوان ها و تازه به میدان آمده ها را با علم مبارزه اجتماعی آشنا کنند، نه آنکه خود همراه آنها با موج بروند!

می توان چپ دمکراسی خواه بود، می توان چپ عدالتخواه بود، می توان هر دوی آنها بود، اما نمی توان اصلی ترین صحنه نبرد کنونی را نادیده گرفت و گریبان خود را از چنگ واقعیات رها کرده و بر بام رویائی خویش به کبوتران خیال دانه داد!

ما امروز با حاکمیتی روبرو هستیم که با یک استراتژی نظامی در داخل و در منطقه حرکت می کند. این استراتژی پایه های استدلالی دارد. برای تحقق این استراتژی تاکتیک هائی را اتخاذ کرده اند. چه در داخل و چه در منطقه و خارج از منطقه.

ما می گوئیم بحث اصلی بر سر این استراتژی و تاکتیک هائی است که اتخاذ شده و دولت کنونی مجری آنست. این استراتژی و تاکتیک ها به سود مردم ایران و تمامیت ارضی کشور نیست. بنابراین انتخابات آینده با هدف تغییر این استراتژی و جلوگیری از تاکتیک هائی است که بر آن استوار است. آن سخن آقای رئیس دانا در باره رشد بی وقفه بودجه نظامی کشور در دولت کنونی، اگر در خدمت گسترش بحث و رسیدن به دلایل سیاست نظامی- امنیتی حاکم قرار می گرفت، آنگاه سخنی نو و "نوین" گفته شده بود، والا نام چپ نمائی و تحلیل های

شورش "نوین" نیست. راه توده ۱۹۶ ۰۶،۱۰،۲۰۰۸